

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فاروکو سستو
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۱۷ می ۲۰۲۵

ونزوئلا: نیروی اخلاقی مردم در قدرت



موضوع اخلاق قدرت، قدمتی طولانی دارد. اخلاق در ساختارهای قدرت، اخلاق در روابط قدرت. با نیروی اخلاقی در تمام ابعاد سیاست، همراه با کردار و گفتار.

کنفوسیوس گفت: «عدم پرورش نیروی اخلاقی، عدم کاوش در آنچه آموخته‌ام، ناتوانی در پیروی از آنچه می‌دانم درست است و اصلاح آنچه نیکو نیست، همه اینها دغدغه‌های من هستند.»

این شیوه درک اعمال هرگونه منصب سیاسی، با پرورش نیروی اخلاقی، هزاران سال است که در فرهنگ چین رسوخ کرده است. این امر، به تعبیری استعاری، در ژنتیک اجتماعی درک آنها از ساختارهای قدرت نهفته است. و این بسیاری از مسائل مربوط به آن کشور را توضیح می‌دهد.

این، الگوی تاریخی غرب نیست. در اینجا، همه ما می‌دانیم که در پس پرده امور، بسته به نیروی واقعی، نه نیروی اخلاقی، هر چیزی مجاز است.

با این حال، تا همین اواخر و همچنان در مورد غرب صحبت می‌کنیم، همواره یا تقریباً همیشه، تلاش بر حفظ ظاهر بود، حتی اگر از طریق یک نمای اخلاقی کاذب. حتی تا جایی که حافظه من قد می‌دهد، مفاهیم معینی از خیر و شر در اعمال قدرت، به نام اصولی که به عنوان ایده‌آل و جهان‌شمول تعیین می‌شدند، حضور داشتند. برای وحشتناک‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین امور نیز استدلال‌هایی یافت می‌شد و ظواهری ساخته می‌شد، با صحنه‌آرایی‌هایی بر پایه‌های اخلاقی، که تقریباً همیشه بسیار بحث‌برانگیز بودند، اما به هر حال پایه‌هایی بودند. دیگر نه.

اکنون، با پراگماتیسم پسامدرن و پساحقیقت‌های آن، آنچه اهمیت دارد، عمل صرف و بی‌پرده قدرت است که نیازی به توجیه یا توضیح ندارد، زیرا نیازی به درک شدن ندارد و صحنه‌آرایی، عاری از هرگونه نمادگرایی اخلاقی، برای برجسته کردن تکبر طراحی شده است، با تمام سنگینی واقعیتی که بر اساس این فرض تحمیل می‌شود که «همین است که هست» و «دنیا همین‌طور است، از برندگان و بازندگان».

در حضور عمومی بسیاری از بازیگران سیاسی در این بخش از جهان، هیچ نشانی از نفس اخلاقی وجود ندارد، بلکه منافعی هستند که بی‌شرمانه و غیر اخلاقی، در برهنگی خود، به نمایش گذاشته می‌شوند. همه اینها جدید است. اینطور نیست؟

چه دوران عجیبی نصیب ما شده است. چه کسی می‌توانست تا چندی پیش، ساختار قدرتی چنین بی‌روح (به معنای واقعی کلمه بدون روح) مانند اتحادیه اروپا را تصور کند، با اورسولا فون در لاین که کم خونی اخلاقی خود را در باد تکان می‌دهد؟ یا آن ماجرای آن آقای دیگر، خالق استعاره باغ و جنگل؟

چگونه می‌توان به این عادت کرد؟ آیا اینها نشانه‌های یک انحطاط بی‌نام و نشان خواهند بود؟ در این نقطه، پرسش دیگری مطرح می‌شود: از آن جهان سیاسی بی‌اخلاقی، از پرورش آن، که توسط رسانه‌های بزرگ هژمونیک تشویق می‌شود: چگونه ممکن است عاملان آن (و پذیرندگان آن) جهان را در وسعت و پیچیدگی‌اش درک کنند؟

چگونه می‌توانند، برای مثال، انگیزه اخلاقی بی‌نهایت مردم فلسطین را درک کنند؟ یا انگیزه کوبا را، که با چنین قهرمانی در طول زمان حفظ شده است؟ و البته، برای صحبت از موردی که به آن می‌پردازیم، چگونه می‌توان نیروی اخلاقی استوار و شاداب مردم ونزوئلا، رهبران آن، نهادهای قدرت مردمی آن را درک کرد؟

تصادفی نیست، البته، که در ونزوئلا انقلاب با افتخار بولیواری نامیده می‌شود. همانطور که خود جمهوری. زیرا بولیوار، با مفهوم قدرتش، راهنمای ضروری است. به عنوان مثال، آنچه را که بولیوار در مورد نیروی اخلاقی در مانیفست کارتاخنا در ۱۵ دسمبر ۱۸۱۲ نوشت، در نظر بگیرید: «...در نظم تحولات انسانی، همیشه اکثریت فزینی نیست که تصمیم می‌گیرد، بلکه برتری نیروی اخلاقی است که کفه ترازوی سیاسی را به سوی خود متمایل می‌کند...» در آنجا مفهومی نمایان می‌شود، مفهوم غلبه نیروی اخلاقی، که فرهنگ سیاسی مردم و دولت در ونزوئلا امروز است.

هوگو چاوز در ۹ جون ۲۰۰۹ گفت: «من بر آن نیروی سیاسی بزرگ، آفرینش، انسجام و تحکیم یک نیروی اخلاقی قدرتمند، اخلاق واقعی، اخلاق اصولی، سوسیالیستی، انسان‌گرایانه، مسیحی -می‌گویم که من مسیحی هستم- معنوی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی برای ادامه تحکیم و ایجاد آن هژمونی تاریخی جدید؛ بلوک تاریخی سوسیالیستی، میهنی، ملی‌گرا و ضد امپریالیستی تأکید می‌کنم.»

نیکلاس مادورو در پیامی در شبکه‌های اجتماعی به تاریخ ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۴ چنین ابراز داشت: «ما از نیروی اخلاقی کافی برای ایستادن محکم و تکذیب فاشیسم در برابر جهان برخورداریم. حقیقت انقلابی است!»

به نظر می‌رسد که همه آنها، بولیوار، چاوز، مادورو، کنفوسیوس را خوانده‌اند: «وفاداری و ایمان را بر هر چیز دیگری مقدم بدار و از عدالت پیروی کن. اینگونه است که نیروی اخلاقی انباشته می‌شود.» خب، باشد که چنین شود.